

نقدی بر فرهنگ امثال و حکم روسی - فارسی

حسن ایزانلو*

چکیده

تاکنون در زبان فارسی کتاب‌های گوناگونی با عناوینی چون *ضرب‌المثل‌های زبان فارسی*، *امثال و حکم فارسی*، *فرهنگ عوام*، *اصطلاحات زبان فارسی*، *فرهنگ لغات عامیانه*، *فرهنگ امثال فارسی*، *زبان کوچه*، و غیره تألیف شده است. به طور کلی، از نقصان‌ها و اشکال‌های اساسی و مهم در نگارش این گونه کتاب‌ها تفکیک‌نشدن انواع گونه‌های ادبی مشابه، یا به تعبیر دیگر، تفکیک‌نشدن انواع گوناگون عبارت‌های زبانی و خلط آن‌ها با یک‌دیگر است. به نظر می‌رسد دلیل اصلی این مسئله، مطرح‌نشدن «علم فرازیولوژی» به عنوان شاخه مستقلی از علم زبان‌شناسی در بین زبان‌شناسان فارسی‌زبان باشد. بر همین اساس، عبارت‌های زبانی اشاره‌شده و گونه‌های مشابه آن‌ها در زبان فارسی اغلب از دیدگاه فرهنگ‌شناسی، فولکلورشناسی، سبک‌شناسی، ادبیات‌شناسی، مردم‌شناسی، و غیره بررسی شده و طبعاً صاحب‌نظران هریک از این رشته‌های علمی با نگاه ویژه‌ای که مخصوص آن رشته است عبارت‌های زبانی ذکرشده را ارزیابی کرده و هریک از آنان فقط به جنبه‌های خاصی از آن عبارت‌ها توجه کرده‌اند. در این کار تحقیقی بر آنیم تا ضمن نقد فرهنگ *امثال و حکم روسی - فارسی* مشکلاتی را که به سبب مطرح‌نشدن علم «عبارت‌شناسی» - به‌منزله علمی مستقل در زبان فارسی - بر سر راه فرهنگ‌نویسان و پژوهش‌گران این حوزه قرار دارد بررسی کنیم. این پژوهش به روش کتاب‌خانه‌ای انجام گرفته و درنهایت، علم عبارت‌شناسی به عنوان معادل فارسی به جای علم فرازیولوژی پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: *امثال و حکم*، اصطلاحات، تعبیرات، ضرب‌المثل، کنایه، عبارت‌شناسی، فرازیولوژی.

۱. مقدمه

بی‌تردید، عبارت‌های تمثیلی، کنایه‌ای، عامیانه، کلیشه‌ای، حکیمانه، و سایر گونه‌های زبانی که در همهٔ زبان‌ها رایج‌اند به عنوان بخش مهمی از گنجینهٔ زبان هر ملتی حاوی اطلاعات باارزشی دربارهٔ نحوهٔ زندگی، خلق و خو و روحیات، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، آداب و رسوم، خرافات، اعتقادات مذهبی و دینی، پیشینهٔ تاریخی، تابوها، ژست‌ها، و به طور کلی جهان‌بینی، طرز تفکر، و نحوهٔ نگرش کاربران آن زبان به محیط اطراف و تلقی آنان از واقعیت‌های جهان‌اند. فراز و فرود، غم و شادی، اشک و لبخند، راستی و ناراستی، تلاش و سستی، خشم و عفو، عشق و نفرت، و بسیاری دیگر از ویژگی‌ها و تجربیات هر ملتی در آیین‌گونه‌های خاصی از واحدهای زبانی که به طور معمول با عنوان «امثال و حکم» از آن‌ها یاد می‌شود منعکس می‌شود. آحاد مردم فارغ از جایگاه و طبقهٔ اجتماعی خود به‌وفور از این گونه‌های زبانی در گفتار روزمرهٔ خود استفاده می‌کنند. باسودان و بی‌سودان، ثروتمندان و فقرا، مردان و زنان، ادیبان و نویسندگان، روزنامه‌نگاران و سیاست‌مداران، رانندگان و مسافران، زندانیان و معتادان، همه و همه در گفتار روزمرهٔ خود از این گونه‌های زبانی بهره می‌گیرند. بر همین اساس، چنان‌که می‌دانیم، تدوین و تألیف کتاب‌هایی که دربرگیرنده و معرف این قبیل واحدهای زبانی باشند همواره در دستور کار نویسندگان، محققان، فرهنگ‌نویسان، و زبان‌شناسان قرار دارد.

امروزه، همچنان‌که موضوعاتی مانند سبک‌شناسی، معناشناسی، ریشه‌شناسی، آواشناسی، واج‌شناسی، و بسیاری مقوله‌هایی از این قبیل به عنوان شاخه‌هایی از علم زبان‌شناسی به صورت مستقل پژوهش و بررسی می‌شوند، در زبان‌شناسی معاصر، به‌ویژه در زبان‌شناسی روسی، دانشمندان شاخهٔ جدیدی از علم زبان‌شناسی را با عنوان «علم فرازیولوژی» تعریف کرده‌اند که به بحث و بررسی گونه‌های زبانی اشاره‌شده می‌پردازد. اولین بار، یک زبان‌شناس روس‌زبان به نام پالیوانف یوگنی دیمتریویچ به طور ویژه فرازیولوژی را به عنوان شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی مورد پژوهش قرار داد. او نام دیگر فرازیولوژی را «اصطلاح‌شناسی» (идиоматика) گذاشت (Кунин, 1966: 23). پس از پالیوانف، دو زبان‌شناس روس به نام‌های بوریس الکساندروویچ لارین (Борис Александрович Ларин) و ویکتور ولادیمیریویچ ویناگراداف (Виктор Владимирович Виноградов) مطالعات زیادی بر موضوع فرازیولوژی زبان و به‌ویژه فرازیولوژی زبان روسی انجام دادند که این آغازی بود برای پژوهش‌های بی‌شماری که از آن به بعد از سوی زبان‌شناسان روسی دربارهٔ

علم فرازیولوژی انجام شد و تاکنون نیز ادامه دارد. به جرئت می‌توان گفت تاکنون هزاران اثر پژوهشی و تحقیقی در قالب کتاب‌های آموزشی، فرهنگ‌های تفسیری، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی، مقاله، و غیره درباره علم فرازیولوژی به صورت عام و فرازیولوژی زبان روسی به صورت خاص از سوی پژوهش‌گران به زبان روسی نگاشته شده است. در این آثار، محققان و زبان‌شناسان سعی کرده‌اند پاسخی برای سؤال‌های گوناگون مربوط به این حوزه از زبان‌شناسی بیابند. سؤالاتی از این قبیل: علم فرازیولوژی دقیقاً چه نوع واحدهای زبانی را مطالعه می‌کند؟ ساختار دستوری و معنایی آن گروه از واحدهای زبانی که مورد مطالعه علم فرازیولوژی است چگونه است؟ ملاک تعیین برخی از واحدهای زبانی به عنوان واحدهای مورد مطالعه این علم چیست؟ و سرانجام این که آن گروه از واحدهای زبانی که مورد مطالعه علم فرازیولوژی قرار می‌گیرند با چه عناوینی نام‌گذاری می‌شوند؟

از آن‌جا که علم فرازیولوژی هنوز به طور مشخص به عنوان یک رشته علمی مستقل وارد زبان‌شناسی فارسی نشده، در زبان فارسی مباحث مربوط به این علم به صورت پراکنده در ذیل چتر علوم دیگری مانند فرهنگ‌شناسی، فولکلورشناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، سبک‌شناسی، ادبیات‌شناسی، و غیره بررسی می‌شود.

از جمله تحقیقات ارزشمندی که درباره ضرب‌المثل‌ها و گونه‌های ادبی مشابه انجام شده مقاله حسن ذوالفقاری (ذوالفقاری، ۱۳۸۶) است. نویسنده در این مقاله سعی کرده است تفاوت ضرب‌المثل‌ها را با سبزه گونه زبانی و ادبی مشابه، شامل ارسال‌المثل، اسلوب معادله، تمثیل، تضمین، تلمیح، کلام جامع، زبانزد، اصطلاحات عامیانه، حکمت یا کلمات قصار، کنایات، باورهای عامیانه، و خرافات تشریح کند. او به درستی در جایی می‌نویسد:

یکی از خطاهای مثل‌نگاران آن است که کنایات، عبارات کلیشه‌ای، زبانزدها، اصطلاحات عامیانه، کلمات قصار و حکمت‌ها، جملات بزرگان، اشعار معروف، ارسال‌المثل‌ها، و باورهای عامیانه را نیز جزء امثال می‌آورند (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۹/۱).

نگارنده بر این باور است که ریشه این اشکال اساسی را باید در جای دیگر جست و آن نفوذنیافتن علم فرازیولوژی به زبان فارسی به عنوان شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که همه گونه‌های زبانی گفته‌شده را در قالب یک رشته علمی خاص تحلیل و بررسی می‌کند. به نظر می‌رسد اگر علم فرازیولوژی را به عنوان علم عبارت‌شناسی در زبان‌شناسی فارسی بپذیریم، آن‌گاه می‌توانیم بگوییم فرازیولوژی یا عبارت‌شناسی «علمی است که به مطالعه عبارت‌های خاصی از واحدهای زبان می‌پردازد». از جمله این عبارت‌ها می‌توان از

عبارت‌های کنایه‌ای، عبارت‌های تمثیلی، عبارت‌های حکیمانه، عبارت‌های کلیشه‌ای، عبارت‌های عامیانه، و غیره نام برد. به نظر می‌رسد در صورت پذیرش این تقسیم‌بندی بتوان اشکال‌ها و ایرادهایی را که به طور معمول از سوی منتقدان بر آثار محققان این حوزه و به‌ویژه فرهنگ‌نویسان مترتب می‌شود برطرف کرد. در این صورت، چنان‌چه فرهنگ‌نویسان بخواهند در آثار خود به انواع مختلف عبارت‌های زبان فارسی اشاره کنند، بهتر است عنوان کلی «فرهنگ عبارت‌های زبان فارسی» را به کار ببرند و در صورتی که مشخصاً عبارت‌های خاصی مورد نظر آنان باشد بهتر است از عناوینی چون فرهنگ عبارت‌های کنایه‌ای، فرهنگ عبارت‌های کلیشه‌ای، فرهنگ عبارت‌های عامیانه، فرهنگ عبارت‌های حکیمانه، فرهنگ عبارت‌های تمثیلی، و غیره استفاده کنند.

۲. بحث و بررسی

فرهنگ *امثال و حکم روسی - فارسی* در نوع خود اولین کتابی است که امثال و حکم روسی را با معادل‌های فارسی آن‌ها تطبیق داده است و بنابراین، در جای خود می‌تواند کتابی درخور توجه و مفید برای طیف گسترده‌ای از خوانندگان فارسی‌زبان و روس‌زبان، اعم از دانشجویان، مترجمان، و مدرسان، باشد. تجربه‌ی زیاد مؤلف در زمینه تدریس زبان روسی به دانشجویان فارسی‌زبان از یک سو، و احاطه‌ی تحسین‌برانگیز ایشان به فرهنگ و زبان روسی و فارسی از سوی دیگر موجب شده تا مؤلف با گردآوری انواع معادل‌های گوناگون برای یک تمثیل یا اصطلاح در زبان‌های روسی و فارسی مجموعه‌ی بسیار شیرینی از انواع مثل‌ها، اصطلاحات، و سایر گونه‌های ادبی مشابه در دو زبان را به خوانندگان کتاب ارائه کند. به رغم این ویژگی خوب، نگارنده مقاله بر این باور است که کتاب مورد نظر چند ایراد ساختاری و محتوایی دارد که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. معمولاً، فرهنگ‌نویسان روسی در مقدمه فرهنگ‌های مربوط به امثال و حکم و از این قبیل، ضمن اشاره به تقسیم‌بندی‌هایی که زبان‌شناسان روس برای گونه‌های زبانی مشابه مورد نظر این نوشتار قائل‌اند، تا حد امکان سعی می‌کنند در چند پاراگراف با ارائه مثال‌های مناسب، تصویری از موضوع مورد بحث را در ذهن خوانندگان خود ترسیم کنند. ضمناً، موضع خود را در هنگام تألیف کتاب راجع به آرای متنوعی که تا آن زمان از سوی محققان زبان‌شناس در این زمینه مطرح شده مشخص می‌کنند. عنوان کتاب مورد بحث مؤید این نکته است که مؤلف ابتدا امثال و حکم مورد نظر خود را در زبان روسی گزینش کرده و

سپس معادل‌های مناسب آن را در زبان فارسی ارائه کرده است؛ یعنی زبان مبدأ روسی بوده است. به تعبیر ساده‌تر، مؤلف سعی کرده است برای نمونه‌های انتخاب‌شده‌ای از امثال و حکم روسی در زبان فارسی معادل‌ها و جایگزین‌های مناسبی ارائه کند. فارغ از این‌که او در دستیابی به این هدف تا چه حد موفق بوده است، به‌نظر می‌رسد یک اشکال اساسی در طرح موضوع وجود دارد و آن این است: منظور مؤلف از «امثال و حکم روسی» کدام یک از گونه‌های زبانی‌اند؟ پژوهش‌گران روسی در این زمینه تحقیقات فراوانی را در قالب فرهنگ‌های تفسیری، رساله‌ها و مقاله‌های علمی، کتاب‌های درسی، و غیره انجام داده و تقسیم‌بندی‌های گوناگونی را برای این نوع واحدهای زبانی قائل شده‌اند که از آن‌ها می‌توان به *пословицы* (جمله‌های کوتاهی که معمولاً دارای وزن و حاوی جنبه‌های اندرزی و زمینه‌های حکمت‌آمیز و تجارب ملی و اجتماعی‌اند)، *поговорки* (عبارت‌های زبانی که معمولاً جمله نیستند و به همین دلیل به صورت مستقل و تنها به‌کار نمی‌روند و غالباً جنبه استعاری، کنایه‌ای، و سمبولیک دارند)، *крылатые слова и афоризмы* (عبارت‌ها یا جمله‌های کوتاهی که از سوی نویسندگان، بزرگان، و سایر شخصیت‌های ادبی، سیاسی، تاریخی، و اجتماعی خلق شده و به مرور زمان جنبه کنایه‌ای به خود گرفته‌اند و در معنای مجازی برای اشاره به برخی واقعیت‌های زندگی به‌کار می‌روند)، *фразеологические сращения* (عبارت‌های پایدار زبان که در قالب مجموعه‌ای از واحدهای زبانی از قبل آماده‌شده از سوی گویندگان، به عنوان کنایه، برای بیان منظور خاصی استفاده می‌شوند و معنای کلی آن‌ها هیچ ارتباطی با معنای لغوی اجزای تشکیل‌دهنده آن ندارد)، *фразеологические единицы* (عبارت‌های پایدار زبان که از نظر معنایی به اجزای کوچک‌تر خود تقسیم نمی‌شوند و معنای کلی آن‌ها تا حدودی به معنای کلمات تشکیل‌دهنده آن‌ها مربوط می‌شود و در گفتار در قالب مجموعه‌ای از واحدهای زبانی از قبل آماده‌شده از سوی گویندگان، به عنوان کنایه، برای بیان منظور خاصی به‌کار می‌روند)، *фразеологические сочетания* (عبارت‌های پایدار زبان که معنای کلی آن‌ها کاملاً به معنای کلمات تشکیل‌دهنده آن‌ها مربوط می‌شود و در گفتار به عنوان مجموعه‌ای از واحدهای زبانی از قبل آماده‌شده تغییرناپذیر از سوی گویندگان مورد استفاده قرار می‌گیرند)، و *фразеологические выражения* (جملاتی که جنبه اندرزی، حکیمانه، و استعاری دارند و به صورت واحدهای زبانی از قبل آماده‌شده به‌کار می‌روند و از نظر ساختاری به اجزای کوچک‌تر تجزیه‌پذیرند). اشاره کرد. به رغم این‌که موضوع کتاب مورد

بحث ما فقط دو گونه اول، یعنی *пословицы* و *поговорки* را در بر می‌گیرد، اما مؤلف در موارد متعدد سایر گونه‌های زبانی اشاره شده را نیز در کتاب خود ذکر کرده که با عنوان کتاب تناقض دارد.

۲. معمولاً در تألیف فرهنگ‌های حاوی مثل‌ها، حکمت‌ها، و مانند این، مؤلفان آن‌ها اطلاعات لازم درباره منشأ پیدایش (در صورت امکان)، موارد کاربرد، بار معنایی، کاربرد از نظر سبک گفتار، و سایر ویژگی‌های مثل یا انواع عبارت‌هایی را که به عنوان سرمدخل آورده می‌شوند را در ذیل آن به خواننده ارائه می‌کنند. در هنگام تألیف چنین فرهنگ‌هایی فرهنگ‌نویسان ضمن توضیح‌دادن معنای عبارت معمولاً با ذکر مثال‌های مستند استخراج‌شده از منابع و آثار ادبی کتبی یا شفاهی، کاربرد صحیح آن را به خواننده تفهیم می‌کنند. در حالی که در کتاب مورد نظر، مؤلف، به هیچ‌کدام از این موارد توجه نکرده و صرفاً سعی کرده است با ارائه معادل‌های فارسی برای یک مثل روسی تصویری از معنا و کاربرد آن را در ذهن خواننده فارسی‌زبان ایجاد کند. به دلیل همین تفهیم‌نشدن موضوع از طریق مثال، به نظر می‌رسد خواننده فارسی‌زبان، در موارد بسیاری، از کاربرد و ترجمه صحیح نمونه روسی در متن عاجز باشد. برای نمونه، دو مثل فارسی «این قافله تا به حشر لنگ است» و «پالان خر دجال است؛ شب می‌دوزیم صبح پاره می‌شود» به عنوان معادل در ذیل دو سرمدخل متفاوت روسی «*А воз и ныне там*» و «*Улита едет, когда-то будет*» آورده شده است که به نظر می‌رسد معادل‌یابی درست انجام نشده است. بهتر بود مؤلف برای این دو مثل به ترتیب معادل‌های فارسی «کار اصلاً پیش نمی‌رود/انگار طلسم شده است» و «بزک نمیر بهار میاد» را ذکر می‌کرد. برای درک صحیح این موضوع بهتر است دو مثل روسی را در قالب جمله و متن ترجمه کنیم:

Уже несколько лет я добиваюсь улучшения света в школе. *А воз и ныне там*. В результате у детей может испортиться зрение. В.Солоухин, Владимирские проселки.

چند سالی است که تلاش می‌کنم کیفیت نوردهی فضای مدرسه را بهبود ببخشم، اما کار اصلاً پیش نمی‌رود. در نتیجه، بینایی شاگردان ممکن است دچار آسیب شود.

Уходя из кабинета, Алпатов слышал, как директор сообщил Астахову важное известие, что скоро в Сибирь поедет путешествовать наследник и с этим будет связана закладка железнодорожного пути через всю Сибирь. – *Улита едет, когда-то будет*, - ответил Астахов.

آقای آلیانف در حالی که از اتاق خارج می شد شنید که مدیر خبر مهمی را به آستاخف می دهد. این که به زودی قائم مقام برای گردش به سیبری خواهد آمد و مسئله ریل گذاری خط آهن در سراسر منطقه سیبری هم مربوط به همین قضیه است. آستاخف پاسخ داد: «بزرگ نمیر بهار میاد».

همان گونه که مشاهده می شود، چنانچه بخواهیم از معادل هایی که مؤلف برای این دو مثل روسی پیشنهاد کرده است استفاده کنیم، ترجمه فارسی ناقص و به ویژه در جمله دوم کاملاً بی ربط خواهد بود.

۳. مؤلف «امثال و حکم» را به عنوان معادلی برای «пословицы и поговорки» در زبان روسی آورده و اظهار کرده است: «سرمدخل هر مثل روسی بر اساس کاربرد، بسامد، و آهنگین بودن آن انتخاب شده و این روش در مورد مترادف ها و گونه های روسی و معادل های آنها در زبان فارسی نیز به کار گرفته شده است» (فرسادمش و یژووا، ۱۳۸۴: ۴). به رغم این ادعا، بسیاری از مثل های پربسامد روسی وجود دارند که در کتاب اشاره ای به آنها نشده است. ظاهراً منظور نویسنده آن دسته از مثل های روسی بوده است که به زعم ایشان در زبان فارسی دارای معادل هستند و نه همه مثل های پربسامد روسی. حتی با وجود چنین فرضی باز هم می توان مثل هایی را در زبان روسی یافت که در عین پربسامد بودن معادل فارسی نیز دارند و در کتاب اشاره ای به آنها نشده است. مانند «Без троицы дом не строится» یا «Бог любит троицу» که معادل فارسی «تا سه نشه بازی نشه» می تواند به عنوان یک معادل مقبول برای نمونه روسی باشد.

۴. بسیاری از نمونه هایی که مؤلف به عنوان مثل روسی (пословицы и поговорки) در کتاب خود آورده است در واقع عبارات های فرازیولوژیکی (фразеологические обороты) هستند و نه صرفاً مثل. نمونه هایی مانند «будь что будет, воду в ступе толочь, волк в овечьей шкуре, вот где собака зарыта, вот тебе бабушка и Юрьев день, выеденного яйца не стоит, ждать у моря погоды, заруби себе на носу, у черта на куличках, шарашкина контора, шишка на ровном месте, чертова дюжина» در بسیاری موارد، مؤلف یک عبارت فرازیولوژیکی را در زبان روسی از حالت رایج و اولیه خود خارج کرده است و برای این که بهتر با معادل فارسی تطبیق داشته باشد بخشی از آن را به سلیقه خود تغییر جزئی داده است که رویه صحیحی به نظر نمی رسد.

برای نمونه، عبارت‌های فرازیولوژیکی *жить припеваючи* (به معنی در ناز و نعمت زندگی کردن)، *не из робкого десятка* (به معنی نترس بودن/بزدل نبودن)، *не лезть за словом в карман* (به معنی حاضر جواب بودن/کم‌نیاوردن در بحث)، *ухом не вести* (به معنی گوش نکردن/توجه نکردن)، *пройти огонь, воду и медные трубы* (به معنی باتجربه بودن)، *остаться с носом* (به معنی خیط شدن/دماغ سوخته شدن)، و بسیاری دیگر از عبارت‌های مشابه را مؤلف از حالت اولیه خارج کرده و بخشی از آن (فعل و فاعل) را به میل خود تغییر داده است. یا در عبارت فرازیولوژیکی «*братъ быка за рога*»، که در واقع به معنی «سراغ اصل موضوع رفتن» است، فعل را از حالت مصدری خارج کرده و با صرف آن در حالت امری مفرد تلاش کرده به آن شکل مثل بدهد. ضمن این‌که در معادل‌یابی معنای آن نیز تا حدودی ناموفق بوده است. مؤلف سه مثل فارسی «شکار که سر تیر آمد باید زد»، «چون دشمن را دربند یافتی، امانش مده»، و «تا آب گل آلود است، باید ماهی گرفت» را به عنوان معادل‌های برای این نمونه روسی آورده است که به نظر می‌رسد معادل‌های مناسبی نیستند. مثلاً:

Мы к вам по важному делу... Позвольте без предисловий, чтобы, как говорится, взять быка за рога (К.Федин).

من برای موضوع مهمی خدمت شما رسیده‌ام. اجازه بدهید بدون مقدمه به قول معروف «بروم سراغ اصل موضوع».

چنان‌که مشاهده می‌شود، اگر به جای «بروم سراغ اصل موضوع» از معادل‌های پیشنهادشده مؤلف استفاده کنیم ترجمه کاملاً غلط خواهد بود.

۵. در بسیاری از موارد نه تنها نمونه‌های فارسی از نظر سبک گفتار (محواره‌ای یا ادبی) با معادل‌های روسی تطابق ندارد، بلکه بعضاً معادل داده‌شده در زبان فارسی از نظر معنایی مطابقت کامل با معادل روسی خود ندارد. برای نمونه، هر سه مثل روسی *а) что было, то сплыло б) было, да сплыло; в) было дело, да собака съела* زبان روسی معمولاً در گفتار عامیانه و محاوره‌ای استفاده می‌شوند و اشاره به چیز یا شرایط یا کسی دارند که قبلاً وجود داشته است ولی اکنون از بین رفته و دیگر بر نمی‌گردد یا تکرار نمی‌شود. در این صورت، بهتر است از عنوان فارسی «بود ولی دیگه نیست/تمام شد و رفت» استفاده کنیم. مؤلف سه نمونه گفته‌شده را در دو سرمدخل متفاوت ذکر کرده و برای هر کدام به ترتیب معادل‌های ذیل را داده است:

الف) گذشت آن چه گذشت؛ رفت آن که رفت؛ بر گذشته افسوس نخورید؛ گذشته‌ها گذشته است؛ چرا داری به دل تیمار رفته؟ بر گذشته تیمار نخورید؛ آن قدح بشکست و آن ساقی نماند؛ آن سبو بشکست و آن پیمانہ ریخت.

ب) آن سبو بشکست و آن پیمانہ ریخت؛ آن کاروان کوچ کرد؛ آن که فیل می‌خرید رفت؛ آن دکان برچیده شد؛ گذشت آن که عرب طعنه بر عجم می‌زد.

ج) آن دنبه را گربه خورد؛ آن ممه را لولو برد؛ آن دفترها را گاو خورد و گاو را قصاب برد؛ مرغی که تخم زرین می‌کرد مرد؛ آن ورق برگشت.

در نمونه الف، همه موارد مطرح شده به یک معنا نیستند یا حداقل کاربرد یکسان ندارند. مثلاً در زبان فارسی از اصطلاح عامیانه «گذشته‌ها گذشته است» برای آشتی کردن یا آشتی دادن دو نفر استفاده می‌شود و مقصود گوینده فارسی زبان از به‌کاربردن این اصطلاح این است که قهر و دلخوری و ناراحتی که قبلاً بین دو نفر وجود داشته دیگر گذشته و نیاز نیست دنبال مقصر بگردیم و بهتر است موضوع فراموش شود. همچنین، این مثل در معنی «نباید افسوس گذشته را خورد» نیز استفاده می‌شود. در صورتی که هدف گوینده فارسی زبان از به‌کارگیری مثل ادبی «آن سبو بشکست و آن پیمانہ ریخت» اشاره به شرایط جدیدی است که دیگر مطابق با وضعیت قبلی نیست و به همین دلیل مخاطب باید خود را برای وضعیت جدید آماده کند و شرایط قبلی را فراموش کند. به عبارت دیگر، این مثل از نظر بار معنایی نوعی هشدار و احتیاط است، در حالی که مثل اول از نظر معنایی دربرگیرنده نوعی دلجویی و دلداری است. نمونه‌های «ب» و «ج» نیز در معنای «آن سبو بشکست و آن پیمانہ ریخت» هستند؛ با این تفاوت که در بین آن‌ها مثل «آن ممه را لولو برد» کاربرد عامیانه و محاوره‌ای دارد و نه ادبی.

۶. در برخی موارد هنگام معادل‌یابی در زبان فارسی بخشی از مثل روسی حذف شده است که گاهی هسته و مقصود اصلی مثل است. مانند مثل روسی *баба и черта перехитрит* که معنای تحت‌اللفظی آن این است: «زن شیطان را هم فریب می‌دهد». مؤلف با آوردن سه معادل «سر شیطان را هم کلاه می‌گذارد»، «برای شیطان هم پاپوش می‌دوزد»، و «دست هفت شیطان را از پشت می‌بندد» در واقع هسته اصلی مثل را که همان کلمه «زن» است از قلم انداخته است. در واقع، این مثل روسی به مکر زنان اشاره دارد؛ در حالی که در معادل‌های فارسی هیچ اشاره‌ای به واژه «زن» نشده است. بر همین اساس، شاید مثل فارسی «فلک از مکر زن صد ناله دارد» معادل بهتری برای این مثل روسی باشد. نمونه دیگر مثل روسی *Бог дал, Бог взял* است که معنای تحت‌اللفظی «خدا داده است و خدا هم گرفته است»

می‌باشد. در زبان روسی، این مثل را برای دلجویی از کسی به‌کار می‌برند که یکی از نزدیکان خود را از دست داده باشد. در زبان فارسی نیز اصطلاح «خدا داده، خدا خودش هم می‌گیرد» در این گونه موارد استفاده می‌شود. در حالی که معادل‌هایی که مؤلف کتاب برای این مثل روسی استفاده کرده بدین ترتیب است: شاید که چو وا بینی، خیر تو در آن باشد؛ در طریقت هرچه پیش سالک آید، خیر اوست؛ ای بسا درد که باشد به حقیقت درمان؛ ای بسا درد کان تو را داروست؛ همه‌چیز دست خداست؛ هرچه می‌خواهد خدا آن می‌شود؛ هرچه بر تو آن کراهیت بود/ چون حقیقت بنگری رحمت بود.

۷. بهتر می‌بود مؤلف در چند صفحه آخر، فهرست مثل‌های روسی و فارسی مندرج در کتاب را به عنوان راهنما برای استفاده آسان‌تر خوانندگان از مطالب قرار می‌داد.

۳. نتیجه‌گیری

فرهنگ دوزبانه *امثال و حکم روسی - فارسی* در نوع خود منحصر به‌فردترین منبع در بین فرهنگ‌های موجود دوزبانه روسی - فارسی است. این کتاب می‌تواند به عنوان یک منبع ارزشمند و مفید برای طیف گسترده‌ای از خوانندگان فارسی‌زبان و روس‌زبان، اعم از دانشجویان، مترجمان، و مدرسان، قابل استفاده باشد. تجربه بسیار مؤلف در زمینه تدریس زبان روسی به دانشجویان فارسی‌زبان از یک سو و احاطه تحسین برانگیزش بر فرهنگ و زبان روسی و فارسی از سوی دیگر، موجب شده تا مؤلف با گردآوری انواع معادل‌های گوناگون برای یک تمثیل یا اصطلاح در زبان‌های روسی و فارسی مجموعه بسیار شیرینی از انواع مثل‌ها، اصطلاحات، و سایر گونه‌های ادبی مشابه در دو زبان را به خوانندگان خود ارائه کند. به رغم این ویژگی خوب، به نظر می‌رسد عواملی چون تفکیک‌نشدن مثل‌ها از سایر گونه‌های زبانی مشابه، ضعیف بودن مقدمه کتاب به دلیل ارائه‌ندادن توضیحات لازم درباره نظریه‌های موجود در زبان‌شناسی معاصر روسی در زمینه علم فرازیولوژی و تقسیم‌بندی انواع واحدهای زبانی مربوط به آن، اشاره‌نکردن به کاربرد نمونه‌های داده‌شده در کتاب در سبک‌های ادبی و محاوره‌ای یا عامیانه، تغییر فعل در بعضی از نمونه‌های داده‌شده از حالت مصدری به حالت غیر مصدری، و برخی معادلیابی‌های نامناسب در زبان فارسی، تا حدی کیفیت ترجمه کتاب مورد نظر را زیر سؤال برده است. با این اوصاف، گمان می‌رود کتاب مورد نظر بتواند به مثابه منبعی برای دانشجویان، مدرسان، مترجمان، و سایر علاقه‌مندان فعال در زمینه زبان‌های روسی و فارسی مفید واقع شود.

منابع

- ابریشمی، احمد (۱۳۷۶). *مثل شناسی و مثل نگاری*، تهران: زیور.
- برقعی، سیدیچی (۱۳۶۴). *کاوش در امثال و حکم فارسی*، قم: نمایشگاه و نشر کتاب.
- بهار، ملک الشعراء (۱۳۶۹). *سبک شناسی*، تهران: امیرکبیر.
- فرسادمش، صفرعلی و لودمیلا یژووا (۱۳۸۴). *فرهنگ امثال و حکم روسی - فارسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۶۴). *گلچینی از امثال و حکم اسلامی*، تهران: دانش.
- حیدری ابهری، غلامرضا (۱۳۸۵). *حکمت نامه پارسیان*، فرهنگ اسلامی در آینه امثال و حکم فارسی، قم: جمال.
- خضرابی، امین (۱۳۸۲). *فرهنگ نامه امثال و حکم ایرانی*، شیراز: نوید شیراز.
- دبیرسیاقی، سیدمحمد (۱۳۶۴). *گزیده امثال و حکم دهخدا*، تهران: تیرازه.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳). *امثال و حکم (۴ جلد)*، تهران: امیرکبیر.
- دهگان، بهمن (۱۳۸۳). *فرهنگ جامع ضرب المثل های فارسی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۴). *داستان های امثال*، تهران: مازیار.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). *تفاوت ضرب المثل با برخی گونه های ادبی و زبانی مشابه*، تهران: فصل نامه پژوهشی - فرهنگی نجوای فرهنگ، ش ۴.
- شاملو، احمد (۱۳۵۷-۱۳۷۲). *کتاب کوچه (۱۱ جلد)*، تهران: مازیار.
- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۸۰). *دوازده هزار مثل فارسی و سی هزار معادل آنها*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- غلامی، حسین و حسن ایزانلو (۱۳۹۱). «نگاهی به فرازیولوژی زبان روسی و مقایسه آن در زبان فارسی»، *مجله علمی - پژوهشی مترجم*، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- میرزانی، منصور (۱۳۸۲). *فرهنگ نامه کنایه*، تهران: امیرکبیر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). *فرهنگ فارسی عامیانه (۲ جلد)*، تهران: نیلوفر.

- Буслаев Ф. И. (1954). *Русские пословицы и поговорки, собранные и объясненные*. - М.
- Гаврин С. Г. (1974). *Фразеология современного русского языка*. - Пермь.
- Жуков В. П. (2000). *Словарь русских пословиц и поговорок. - 7-е изд., стереотип*. - М.: Рус.яз.
- Копыленко М. М., Попова З.Д. (1978). *Очерки по общей фразеологии: Проблемы, методы, опыты / - Воронеж : Изд-во ВГУ*.
- Короглы Х. (1973). *Персидские пословицы, поговорки и крылатые слова*, - М.: "главная редакция восточной литературы".
- Красных В. Н. (2001). *Русская фразеология*. - М.

- Кунин А. В. (1966). *Фразеология современного английского языка*. - М.: Высшая школа.
- Мокиенко В. М. (2005). *В глубь поговорки: рассказы о происхождении крылатых слов и образных выражений*. - 3-е изд., перераб. - СПб.: "Авалон", "Азбука-классика".
- Мокиенко В. М. (2005). *Загадки русской фразеологии*. - 2-е изд., перераб. - СПб.: "Авалон", "Азбука-классика".
- Мокиенко В. М., Т. Г. Никитина (2007). *Большой словарь русских поговорок*. - М.: ЗАО "ОЛМА Медиа Групп".
- Серов В. (2005). *Энциклопедический словарь крылатых слов и выражений*, 2-е изд. - М.: Локид-пресс.
- Федосов И. В., А. Н. Лапицкий (2003). *Фразеологический словарь русского языка*. - М.: "ЮНВЕС".